

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین - ۱۰ سپتمبر ۲۰۱۵

خطاب به هاشمیان: و لعنة الله علی الکاذبین!!!

و لعنت خدا بر دروغگویان!!!

(قسمت سوم)

امیدوارم که سید خلیل الله هاشمیان با خواندن دو قسمت اول این سلسله به هوش آمده باشد؛ معلوم نیست شاید هنوز هم راه توبه و استغفار باز باشد و شاید بتواند، به نحوی جبران جنایت نماید، گرچه بزرگان فرموده اند:

"پدرکشته را کی بود آشتی!!!"

شما سید خلیل الله هاشمیان! با نوشته سراسر بهتان و دروغ و پر از توطئه خود کاری کردید، که به هیچ صورت راه برگشت ندارید و میدانید، که اوغان چل سال بعد قصد(انتقام) خود را میگیرد. برای شخص خودم "افغانیت و افغان بودن" بالاترین موهبت است و مقام تقدس دارد و هیچ چیزی را مقدستر از آن نمیبینم. برای من همه راهها و امکانات باز است و اگر تمام دنیا هم دست خود را یکی بکند، جلوم را گرفته نمیتواند.

قسم به افغانیتم، که جواب درخور ردالتهای شما را خواهم داد، منتظر باشید!!! فقط آرزو میکنم، که زنده و به "عقل و هوش" باشید، تا جزای شایسته خود را بچشید و درک بکنید!!! این قسمت را اما وقف موضوع دیگری میکنم، چون میخواهم پیامم را به انسان مهذب، شاعر و الامریتت و هنرمند شادی مثل ارجمند صالحه جان واهب واصل برسانم و او را از زیر بار گران بدنامی ابدی برهانم:

ارجمند عزیز صالحه جان واهب و اصل!

بعد از آرزوی صحت و سلامت تان قلباً تمنی دارم، که این نوشته را به غور بخوانید و در موردش دقیقانه و بدون اثرگذاریهای غرض آلود آلودگان به تفکر اندر شوید. شاید هنوز دیر نشده باشد و

هنوز هم تصمیم به دست شماس است. از طریق همین نوشته می‌خواهم شما را مخاطب بسازم، تا موضوع را جدی بگیرید و آله دست مفتنان و شارلتانها قرار نگیرید. پای آبرو و حیثیت و وقار دائمی شما در میان است، و نباید با رسیدن به زرق و برق کذائی و نمایشی، خود و وجدان خود را بفریبید و تا زنده هستید، از عذاب الیمی رنج ببرید!!!

اگر یادتان باشد، حدوداً چار ماه پیش در مجلس سکایپ در حضور نوری صاحب محترم، مسأله ای را با شما در میان گذاشتم. برایتان گفتم:

«صالحه جان شما خوب شعر می‌گوئید و شاعر خوبی هم هستید، اما افسوس که بعضاً ابیات و مصاریع شما اشکالات عروضی پیدا کرده و از وزن خارج میشوند...»

در جوابم گفتید:

«والله تا حالی کسی برایم این مطلب را نگفته است!!!»

گفتم:

«کسانی اشعار شما را بی خدشه قلمداد میکنند، که خود از عروض و اوزان شعری بیخبر اند، لطفاً اشعار خود را به اشخاص فنی عرضه کنید!!!»

قرار بر این شد که:

« روزی در سکایپ جلسه ای دایر کنیم - و اگر نوری صاحب حاضر باشند، این جلسه را در حضور ایشان دایر خواهیم کرد. شما به انتخاب خود اشعارتان را بخوانید و من همه را مصراع به مصراع از نگاه وزنی نقد میکنم.»

گفتید:

«بسیار خوب!!!»

گفتم:

«در همین چند هفته خودم مصروفیت بسیار دارم، ولی در ماه آینده حاضرم چنین جلسه ای را برپا کنیم و ساعتی چند مصروف این کار شویم.»

بعد از آن شنیدم که مشکلاتی پیدا کرده اید و این مشکلات وقت مدیدی را در بر گرفت، که بالآخر متأسفانه نتوانستیم باهم از طریق سکایپ به ارزیابی وزنی اشعارتان بپردازیم. خوشبختانه استاد نگارگر که عالم متبحر و بانصافی میباشد، هم ضمن ابراز نظر در پورتال "افغان جرمن آنلاین"، از اشکالات عروضی در اشعار هردو کاندید تذکر دادند. استاد نگارگر که دانشمند نخبه ای هستند، در سطح بسیار عالی شعر میسرایند و در عروض و قافیه هم احاطه کافی دارند، از روی حقیقینی و رواداری این موضوع را به هردو کاندید تذکر دادند و ضمناً از هردو عزیز معذرت خواستند، که مجبور شده اند موضوع را چنین بی پرده بیان کنند.

حالا هم برای شما عزیز قابل قدر و دوستداشتنی از صمیم قلب و برادرانه می‌گویم، که لطفاً درین عرصه کمک فنی و مسلکی بگیرید، تا در پرتو آن کمبودهای موجود در اشعارتان برطرف گردیده و در وجوتان شم عروضی پرورش یابد. آن وقت است، که اشعارتان بی عیب خواهد گردید.

این یک طرف قضیه، ولی طرف دیگر قضیه که جدی تر است، احراز لقب بسیار بسیار فاخر و محتشم "استاد ادب دری" میباشد. من ضمن چند نوشته ام، در مورد ادب و ادبیات و پهنای بیکران و قاره پیمای آن چیزهائی نوشته و گفته بودم، که در زمانه ما هیچ شاعری - ولو جغه شعرش کناره های ملکوت اعلی را هم بخرشد - حق ندارد "استاد ادب دری" خوانده شود. ازین رو شما هم - ولو اشعارتان کلاهگوشه ماه و مهر را ببوسند - بدون احاطه و دسترس کافی و لازم در

ساحات پهناور ادبیات، سزاوار دریافت این لقب بی اندازه عظیم و جلیل نیستید؛ ولو این لقب صبغت و هیئت اعزازی و افتخاری را هم داشته باشد. این یک واقعیت است و نباید خود را فریب بدهید. لطفاً اقدام خانم پوهندوی شیما جان غفوری را مد نظر بگیرید، که این تدبیر و تدبیر و درایت را داشت و بعد از غور و تدقیق بسیار و شنیدن آرای مخالف معقول، بالآخره بدین نتیجه رسید، که سنگی را که برداشته نمیتواند، باید ماچ کرده به جایش بماند. من تصمیم خانم غفوری را مبنی بر انصراف از پذیرفتن لقب **"استاد ادب دری"** به دیده قدر دیده و آن را بر تأمل و تیزهوشی شان حمل میکنم. لطفاً به خود آئید و کار پوهندوی شیما جان غفوری را سرمشق خود قرار دهید. هنوز هم دیر نشده و هنوز هم میتوانید، جلو غلتیدن به گردابی را، که رهائی از آن میسر نخواهد بود، بگیرید.

هاشمیان و چند نفر از دنباله روانش، چه کارهائی نیست که در جهت گپ دادن خلق خدا از خود بروز نداده اند. من روز چند بار پورتال افغان جرمن را از نظر گذشتانده و تمام اقوال و آراء را ثبت میکنم. میبینم که چه گونه آرای از خود و بیگانه تغییر شکل و هیئت داده میشود و چه گونه نوشته های خود هاشمیان و دنباله روان ملاق زده میروند و مطابق مصلحتها تغییر خورده میروند. یقیناً شما خود رسوائیهای این وبسایت دسیسه باز و توطئه ساز را از نزدیک مشاهده میکنید و کارروائیهای عجیب و غریب چند دغلباز فریبکار را به چشم سر میبینید. لطفاً از وجدان پاکی که دارید، استمداد کنید و از این همه رسوائی هاشمیان و دار و دسته دسیسه کارش خود را برهانید!!! هنوز راه نجات و رهائی به رویتان بسته نشده است؛ عزم جزم کنید و بر سینه این همه دسائس و رسوائی سیلی رد بزنید!!!

هاشمیان انسان خودخواه و خودپرستی میباشد، که فقط برای نام کشیدن خود دست به لقب بخشی میپردازد. هاشمیان این کار را ازین خاطر نیز میکند، تا لقبگیران آئین تمرد را از خود دور کرده و از اوامر و احکام هاشمیان سرپیچی نکنند. هاشمیان خواسته بود من درویش، خلیل الله معروفی، را نیز در همین دام بیندازد؛ چنان که ضمن سه مقاله خود مرا بیشتر از پنجاه دفعه **"استاد"** خطاب کرد. او بدین کار اکتفاء نکرده و حتی مقاله مستقل و مفصلی زیر عنوان **"دانشمند معروفی عمرت دراز باد!!!"** نوشت و در پورتال **"افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"** نشر کرد - لطفاً این مقاله را در آرشیف مربوط به هاشمیان در پورتال ما مطالعه کنید و بعد همان مقاله وی را با مقاله ای که ضمن آن تا توانست بر من اتهام و دروغ بست، مقایسه کنید و چرخش یک صد و هشتاد درجه ئی وی را در مورد من مطالعه کنید.

همین **"استادنامیدنها"**ی وی جلو قلم را گرفته بود، تا هرگز بر جنفنگهای نابخشودنی وی نثارم. من این دسیسه را کشف کردم - ولو اندکی دیر - و لقب **"استاد"** هاشمیان را دودسته مسترد نمودم. از آن زمان به بعد خود را آزاد میبینم و از قیدها و بندها رسته. دیگر هیچ مانعی را دم روی خود نمیبینم، تا بر چرندهای هاشمیان انگشت انتقاد نگذارم. من همین سلسله حاضر را ادامه میدهم و تا به اصطلاح **"کاخ دانش"** هاشمیان را ویران نکنم، دست از قلم برنمیذارم. لطفاً مقالات این سلسله را تعقیب کنید و بعد خود به حال زار هاشمیان افسوس بخورید.

حتماً متوجه شده اید، که هاشمیان چون جواب مقاله **"ادب - ادب دری - استاد ادب دری"** مرا در خود ندید، مست شد، خود را یکسره به در دیوانگی زد و ضمن مقاله **"حسادت توأم با زن ستیزی"** خود تا توانست بر من درویش حقگوی، دروغ و بهتان و افتراء بست. با کاری که هاشمیان میکند، خود را در بی آزارترین حالت، سزاوار لقب **"منافق"** میگرداند. در مقاله مدحیه، از من و به

اصطلاح خود هاشمیان "دانش و احاطه من در ادب دری" و "آموزنده بودن مقالاتم" سخنها گفت، و اینک که ریگ زیر دندانش آمده است، معکوس تمام ادعاهای خود را به رخ من و خلق خدا میکشد. یقیناً شما همه این نوشته های هاشمیانی را خوانده اید.

شما صالحه جان ارجمند!

برای چنین شخصی لقبی انتخاب کنید و اگر جرأت و مصلحت نشرش را در خود ندیدید، آن را در گوش دوستان و اجبای خود بگوئید.

حتماً متوجه میباشید، که در پورتال افغان جرمن چه دستکاریها و تقلباتی رخ میدهد.

– نظر مخالفان را نشر نمیکنند

– و یا اگر نشر کردند، بعد با نامهای مستعار رنگارنگ ماهگل و شاهگل و منصف انصاف و غلزی و صدهای دیگر، بر مخالفان میتازند. دو سه نفر از مفتنان پورتال افغان جرمن هستند، که هرکدام زیر دوازده تا سیزده نام مستعار نظر میدهند و بر دهن مخالفان دانشور میکوبند. اگر به نظرهای مخالفان نظر انداخته باشید، همه متین و با محتوا بوده اند، در حالی که اکثریت مطلق نظرهای موافقان بدون محتوا، سرسری، بازاری، از روی مجبوریت و به خاطر گل روی هاشمیان ارائه شده اند. در حالی که سطح و سویره ادبی نظرهای مخالف را بالا و با املاء و انشای آدم دستور میباییم، موافقان در سطوح بسیار نازل و با املاء و انشای غلط مینویسند و روی و آبروی شعر و ادب و املاء و انشای دری را مکدر میسازند. خود هاشمیان نمونه غلطنویسی و املاي غلط است. مقالاتی را که هاشمیان به پورتال ما میفرستاد، بعد از تصحیح فراوان آبرویی یافته منتشر میگشتند، همان قسمی که اغلاط فراوان املائی و انشائی هاشمیان را در پورتال افغان جرمن مشاهده میکنیم. جناب ولی احمد نوری که انسان فرهمند، دراک و واردی در موضوعات هستند، از دست هاشمیان و املاي غلطش به بینی رسیده بودند. البته اغلاط فراوان املائی در همه مطالب منتشره پورتال افغان جرمن به مشاهده میرسد، و بیشترین اغلاط املائی و اغلاط تپیک املائی را در نوشته های کلانکاران پورتال افغان جرمن میبینیم. از روی همین اغلاط تپیک هرکدام از این کلانکاران است، که به مستعار بودن نامها در پورتال افغان جرمن پی میبریم و به مجرد خواندن مطالبی از نویسندگان مستعارنگار پی میبریم، که نویسندگان اصلی و نقابپوش کدامها باید باشند!!!

– هاشمیان نظرات موافق را به هزاران عذر و زاری و زناق(زنخ) گرفتنتها و تلفون کردنها و ایمیل نوشتنهای مسلسل به دست می آرد، و بعد پورتال افغان جرمن همان آرای در ظاهر مثبت را باربار و به تکرار از نظر خلق خدا میگذراند – و اکثر با تغییر دادن تاریخ نشر آنها. وقتی عین مطلب غلام صفدر پنجشیری را با تاریخهای متفاوت در پورتال شما و به نفع پیشنهاد هاشمیان میخوانیم، خود بگوئید که چنین کاری را چه بنامیم؛ تقلبکاری، دغلبازی، ساخته کاری و یا چه؟؟؟ کدام حکم را بر این همه دسیسه کاری و تقلب و دستواشوری میتوانید صادر بکنید؟؟؟ و شما صالحه جان عزیز، تمام این کارروائیهای ناروا را هر روز به دیده خود میبینید!!!

جناب تیموری صاحب بزرگوار – که در پیری انرژی و همت و آزادگی و خودارادیت صدها جوان را دارند – جواب مخالف به پیشنهاد هاشمیان دادند و مقاله خود را همزمان به هردو پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" و افغان جرمن آنلاین فرستادند. در حالی که پورتال افغان جرمن مطالب وارده را معمولاً بدون معطلی آنلاین میکند، از نشر مقاله جناب تیموری ابا و ورزید و بعد چون دید، که این مقاله در پورتال ما اشاعه یافته است، از روی ناچاری و برای این که خود را از زیر تیغ ملامت برهاند، آن را منتشر ساخت.

افغان جرمن یک شعر انتقادی جناب تیمورشاه تیموری را که بدین مناسبت خاص سروده اند، نشر نکرد. من همین شعر غراء را که موضوع لقب بخشی بی مُحابا را به باد انتقاد میگیرد، عیناً نقل میکنم. قسمی که گفتم، این پارچه انتقادی را افغان جرمن منتشر نساخت؛ و اینست آن پارچه، که لکخشیهای هاشمیانی را به باد تمسخر میگیرد:

آب و آتش

گاه در آتش گهی آیم ما کشته عُنوان و القايم ما
کس ندیده حـالت بيدار ما خواب ميباشيم و در خوابيم ما
آب ما را ديگران نوشيده اند در کنار دجله کـريابيم ما
هر که هر چه گفت باور ميکنيم در قبول ضد و اضداديم ما
راهرو ناگشته منزل ميزنيم درس خود ناخوانده استاديم ما
کور خود بينای مردم بوده ايم جز خودی راهی نميبابيم ما
در تغافل گوی سبقت برده ايم در تکامل سست بنياديم ما

تیموری کار و شطارت بایدت

زانکه در بی عُرضگی شادیم ما

(تیمورشاه تیموری - شهرک زیزن، ۶ سپتمبر ۲۰۱۵)

این پارچه صفحه ۶ سپتمبر ۲۰۱۵ پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را زیب و زینت بخشیده است.

خوب دقت کنید، صالحه جان عزیز:

اگر اشعار "استادان ادب دری" به نظر ایرانیان شعر فهم برسد، وقتی بی وزنیها را مشاهده کنند، چه حکمی خواهند کرد؟؟؟ ملایم ترین حکمی که صادر کنند، خنده به ریش آنچه افغان شاعر و ادیب و دانشور است، خواهد بود!!

و عجب! که کسی طرف مقابل را به زن ستیزی متهم میسازد، که خود به دیده بوسی و به پایبوسی ملاعمر - امیر جُهال - شتافته بود. در زمانی که طالبان بر سریر امارت تکیه زده بودند و زنان مظلوم افغان را شلاقکاری و چانواری میکردند، هاشمیان یکجای با باری جهانی رهسپار قندهار گشته و به گفته خود هاشمیان، چشم کور ملا عمر را ماچ کردند.

بیحیائی را بنگر، که کسی که دست و پای و اندام اندام امیر زن ستیزان افغانستان را به دیده مالیده و خدا داند که به خاطر دلخوشی امیر زن ستیزان وطن، چه کارهای شنیع دیگری را مرتکب گشته است، دیگران را به زن ستیزی ملامت میکند!!!

یا للعجب که بوسنده پای امیر زن ستیزان افغانستان، حالا قد بلند میکند، به تفخیم زنان پاکیزه دست میبازد و لقب استادی را نثار زنان شاعر ما میکند؟؟؟ به نظر من توهینی بدین شناخت و دنائت و سخافت و رذالت حتی در قاموس دری هاشمیان هم سراغ نشود!!!
و چه خوب است، که هاشمیان در قاموس مد نظر دری خود، زیر ردیف "استادسازی" و "لقب بخشی" و "لک بخشی"، مثالهای عملی هم بدهد!!! اگر میخواهید، که در آن قاموس نمونه، "نمونه مثال" و "اللوک" و "اونه گک" نشوید، عطای هاشمیان را به لقایش ببخشید و برایش بگوئید:

عرض خود را مبر و زحمت ما مدار!!!

عیبی بزرگتر ازین نخواهید یافت، اگر این لقب را - ولو حکم آب حیات را هم داشته باشد - از دست هاشمیان بگیرید. سخن بسیار و ازین به مراتب متراکم تر است، ولی:

عقلان را نکته ای بس است!!!

(در بخشهی بعدی باز و باز به خدمت هاشمیان خواهیم رسید!!!)

(برلین - نهم سپتمبر ۲۰۱۵)